

امام حسین (ع)

و
ہفت جاوید کربلا

محمود حکیمی

سرشناسه	: حکیمی، محمود ۱۳۲۳
عنوان و نام پدیدآور	: امام حسین (ع) و نهضت جاوید کربلا / محمود حکیمی
مشخصات نشر	: تهران، سایه سخن، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۰ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۰۴-۶۷-۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا.
موضوع	: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴-۶۱ق.
موضوع	: واقعه کربلا، ۶۱ق
رده بندی کنگره	: الف ۱۳۹۰ الف ۸۱۵ ح/۵/۱ BP۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۳۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۵۳۶۸۹۷

امام حسین (ع) و نهضت جاوید کربلا

- مؤلف: محمود حکیمی
- ناشر: سایه سخن
- طرح جلد: مهدی حاجی محمدیان
- لیتوگرافی: ترنج رایانه
- چاپ: مهراب
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰
- شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
- قیمت: ۱۴۵۰۰ تومان
- نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوی بهشت آیین، پلاک ۱۹، طبقه همکف
- تلفن: ۰۹۱۲۶۴۹۱۸۲۸ - ۶۶۴۷۵۴۲۱ - ۶۶۴۷۵۴۲۰

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۳۳.....	نهضت حسینی و شاعران بزرگ پارسی گوی.....
۳۹.....	در آن غروب.....
۵۳.....	فصل اول حسین (ع) ادامه دهنده راه انبیاء.....
۷۹.....	فصل دوم عوامل زمینه ساز نهضت حسینی.....
۱۰۹.....	فصل سوم حکومت یزید.....
۱۲۴.....	فصل چهارم آغاز نهضت.....
۱۴۸.....	فصل پنجم نبرد با ستمگران.....
۱۷۰.....	فصل ششم پس از عاشورا.....
۱۸۲.....	فصل هفتم سخنانی کوتاه از امام حسین (ع).....
۱۹۰.....	فصل هشتم زیارت.....
۲۱۴.....	فصل نهم گفت و گوهایی با خادم فرهنگ عاشورا.....
۲۳۸.....	فصل دهم مقالات.....

پیش‌گفتار

درست چهل سال پیش بود که کتاب قیام حسین بن علی (ع) پیشوای آزادگان جهان از اینجانب در قم منتشر شد. آن کتاب ویژه نوجوانان بود و مانند آثار دیگری که برای نوجوانان نوشته بودم مورد استقبال قرار گرفت و همین امر موجب شد که در کنار پژوهش‌های خود در زمینه تاریخ اسلام، به نهضت تاریخی امام حسین (ع) اهمیت بیشتری دهم. مطالعات بعدی من درباره تمدن جهان و زندگانی پیامبران الهی این حقیقت را برآیم فاش ساخت که قیام امام حسین (ع) در سال ۶۱ هجری نه تنها در جهت احیای ارزش‌های اسلامی، بلکه در جهت احیای آموزه‌های همه پیامبران توحیدی بود و به قول سردبیر نشریه آینه پژوهش در شماره ویژه امام حسین (ع)، عاشورا در واقع بعثت دوباره بود^۱ و به قول سردبیر نشریه کتاب ماه کلیات (ویژه نامه امام

۱- آینه پژوهش، شماره ۷۷-۷۸ (دی و بهمن ۱۳۸۱) ویژه نامه امام حسین (ع)، ص ۲.

حسین (ع): «مولانا ابا عبدالله الحسین، سرور و امام شهیدان خورشیدی است که زمان و مکان را در نور دیده و حوزه‌های مختلف را از نور خود بی‌نصیب نگذاشته است. همه واله و شیدای او شده‌اند، نه فقط عارف و سالک و شیعه و مؤمن، و نه تنها هنرمند و ادیب و شاعر و مداح و نه انحصاراً فقیه و فیلسوف و متلکم و عامی...»^۱

در سی سال اخیر خوشبختانه تعداد آثاری که در زمینه نهضت عاشورا منتشر شده آنچنان زیاد است که نشریه گلستان قرآن پنج شماره (از شماره ۵۸ تا ۶۲) خود را به کتاب‌شناسی امام حسین (ع) اختصاص داد. از دیگر امتیازات ارزشمندی که در چند دهه اخیر در ایران در مورد بررسی و تحقیق در مورد قیام امام حسین (ع) پدید آمد و موجب بیداری و آگاهی هر چه بیشتر مردم شد. کار ارزشمند و شجاعانه شهید بزرگوار استاد مرتضی مطهری در نگارش «تحریفات عاشورا» بود که نشان داد نمی‌توان به برخی از نوشته‌های پیشینیان که در مورد حادثه عاشورا نگاشته شده است اطمینان کرد و بخشی از این نوشته‌ها، متحون از مطالب نادرست و خرافی هستند. آقای محمد صحتی سردرودی که بیش از صد کتاب معتبر و نامعتبر درباره قیام امام حسین را

۱ - کتاب ماه کلیات شماره ۶۳-۶۴، ویژه نامه امام حسین (ع) اسفند ماه

بررسی کرده است در مقاله ارزشمند «کتاب‌شناسی توصیفی - انتقادی پیرامون تحریف‌های عاشورا» درباره ارزش کار بزرگ مرحوم مطهری می‌نویسد:

«درست است که اگر استاد شهید، زنده می‌ماند و خود به تنظیم این یادداشت‌ها و آن سخنرانی‌ها می‌پرداخت. کارش بسیار برابرتر از این می‌بود، اما همین که متشر شده است هم بسیار مفید و راه‌گشا است و هم می‌تواند تحریف ستیزان و عاشورا پژوهان را به کار آید و راه نماید.»

اقدام استاد شهید مرتضی مطهری موجب شد که دیگران هم بتوانند آثاری چون «مقتل الحسین» منسوب به ابومخنف، نورالعین، روضه الشهداء کاشفی، اسرار الشهاده فاضل دربندی را مورد نقد و بررسی قرار دهند و در مسیر همین نقدها است که کتاب ناسخ التواریخ تألیف محمد تقی سپهر هم مورد نقد قرار گرفت و نقادان نشان دادند که آثار این مورخ پر ادعای عصر ناصری درباره اهل بیت (ع) و مخصوصاً درباره امام حسین (ع) خالی از تحریف نیست. محمد تقی سپهر در دوران ناصرالدین شاه از آنچنان احترامی برخوردار بود که انتقاد به مجموعه ناسخ التواریخ وی گناهی عظیم شمرده می‌شد. استاد صحتی درباره ارزش کار کسانی همچون استاد مطهری که با کتاب‌های تحریف- ساز به مبارزه برخاسته‌اند می‌نویسد:

«... با مطالعه کتاب‌هایی که دربخش کتاب‌های تحریف‌ستیز و

تحقیقی شناسایی می‌شوند، خواهیم دید که به راستی نویسندگان این گونه کتاب‌های کم نظیر و پربار، در ستیز با «دروغ‌های پر فروغ» و «اکاذیب مقدس» نگاشته شده، جهاد اکبر کرده‌اند، انصاف را که مقابله با جاهلان مقدس مآبی که گرفتار جهل مرکب‌اند و به نوعی مغلوب نفس جمعی خویشند، کمتر از جهاد با نفس فردی نیست و برخلاف جهت امواج پرخروش و پریشان دریای آشفته و طوفانی شنا کردن، کاری بس سخت و توان-فرساست. دانشوران در آشنایی که در این دایره هول‌انگیز، دل به دریا زده‌اند بسیار اندک شمارند.^۱

مقالات پژوهشگران اندیشمندانی چون آقای محمد علی سلطانی در بحث «گزارش‌های نادرست از حادثه کربلا» در مجله آینده پژوهش (شماره ۷۷-۷۸)، نقد استاد گلی زواره‌ای، بر کتاب مجالس تعزیه در فصلنامه کتاب ماه دین شماره ۵۳ و ۵۴ (فروردین ۱۳۸۱)، بازخوانی چند حدیث مشهور درباره عاشورا (نشریه علوم حدیث - زمستان سال ۱۳۸۱) از آقای محمد صحتی سردرودی و مقاله «ارزیابی منابع و مدارک عاشورا» از مرحوم علامه محمد تقی جعفری تبریزی در نشریه دیدگاه‌ها

۱ - آینده پژوهش، ویژه‌نامه امام حسین (ع)، مقاله صحتی سردرودی، پیرامون تحریف‌های عاشورا، ص ۷۱۴. بخشی از این مقاله در قسمت ضمیمه‌ی کتاب حاضر آمده است.

(دفتر دوم) و مبانی نظری تحقیق در نهضت عاشورا از دکتر قائدان در همان نشریه در تعالی اندیشه مردم در زمینه عاشورا مؤثر بوده‌اند. انتشار کتاب شهید جاوید اثر مرحوم نعمت الله صالحی نجف آبادی و سپس نقدهای متعددی که بر این کتاب نوشته شد و سپس پاسخ‌های آقای صالحی به تمام آن نقدها در کتاب «عصای موسی یا درمان بیماری غلو» نیز از جمله آثاری بود که در سال‌های اخیر مباحث وسیعی نسبت به واقعه بزرگ عاشورا در پی داشت و اندیشمندان معاصر را به بازخوانی نهضت امام حسین (ع) واداشت. مقالات نشریه حکومت اسلامی (ویژه نامه‌های اندیشه سیاسی عاشورا در پائیز ۸۱) زمینه را برای تألیف آثار جدید فراهم ساخت و به هر حال اکنون آینده‌ای بسیار امیدوارکننده در مورد پژوهش درباره نهضت حسینی وجود دارد.



حسین (ع) مظهر همه زیبایی‌ها و سرچشمه لیکی‌هاست. او تبلور ایمان، تجسم دین و تحقق عینی حق است. حماسه همیشه جاوید کربلا از ابعاد شگفتی برخوردار است. امام، زمانی نبرد خود را با ظلم و ستم آغاز کرد که حاکمیت اموی یکه‌تاز میدان شده بود. بسیاری از بزرگان که روزگاری فریاد رعدآسای آنان لرزه بر اندام شرک و مشرکان می‌انداخت، اکنون بی‌فغان و بی‌خروش سر در لاک خود فرو برده بودند. حکومت معاویه، مردمان را در جهلی هولناک فرو برده بود و عالمان و آگاهان

خودفروش به جای بیدار کردن مردمان، مشغول توجیه اعمال حکومت وقت بودند و این توجیه ستمکاری‌ها در دوران یزید به اوج رسید و فرجام چنان اوضاعی سکوت و بی‌رقمی و بی‌تفاوتی افراد جامعه نسبت به مسائل اجتماعی بود.

قیام حسین بن علی(ع) و سپس شهادت مظلومانه او و یارانش چهره واقعی حکومت یزید را روشن ساخت و از همین رو تا جهان باقی است مسلمانان و مخصوصاً شیعیان می‌بایستی خاطره آن قیام تاریخی را با انجام مراسم سوگواری متین زنده نگاه دارند. عطار نیشابوری قرن‌ها پیش اعلام کرد که نام و یاد حسین(ع) همیشه جاودان خواهد ماند، خون حسین نمی‌خشبد و همیشه می‌جوشد:

بسی خون کرده‌اند اهل ملامت

ولی این خون نخسبد تا قیامت

هر آن خونی که بر روی زمانه‌ست

برفت از چشم و این خون جاودانه‌ست

یکی از علل ماندگاری حادثه عاشورا مجالس سوگواری است.

مجالس سوگواری در واقع مدرسه حسینی است که مردم با ارج نهادن به حماسه‌سازان عاشورا با فضیلت‌ها و شجاعت‌ها و مکارم اخلاقی امام حسین(ع) و یارانش آشنا می‌شوند.

امام سجاده(ع) نخستین کسی بود که با گزارشی از واقعه کربلا

دل‌های سوخته را آمادۀ عزاداری نمود. مشهور است که چون اهل

بیت (ع) امام حسین (ع) از شام به مدینه بازگشتند، در حوالی این شهر مدتی کوتاه اقامت نمودند. ساکنین مدینه با هیجان به استقبال آن عزیزان رفتند. امام سجاد (ع)، بشیر بن جندل را در میان مستقبلین مشاهده نمود و او را مخاطب قرار داد و فرمود:

ای بشیر پدیرت شاعر بود، آیا تو هم از این توانایی بهره‌ای داری؟ بشیر جواب داد: آری خود نیز شاعرم. حضرت فرمودند: در حالی که ابیاتی را می‌سرایی جلوتر از ما به مدینه برو و ورود اهل بیت (ع) و مصیبت جانگداز کربلا را به مردم شهر جدم نبی اکرم (ص) اعلان کن. بشیر قبول کرد و اشعاری سرود و با گریه و صدای بلند به حالت نوحه و ندبه برای مردم مدینه خواند.

بنابراین می‌توان گفت که نخستین مرثیه‌سرایی بر مصایب کربلا مربوط به سال ۶۱ هجری بوده است.

در سیره معصومان و مسلمانان، عزاداری حتی قبل از فاجعه کربلا وجود داشت. مسلمانان در جنگ احد هفتاد شهید دادند. در مدینه هر کسی برای بستگان شهید خود گریه می‌کرد. چشمان پیامبر (ص) با دیدن این صحنه پر از اشک شد و فرمودند: اما عمویم حمزه گریه کننده ندارد. ابن مسعود می‌گوید: پیامبر در سوگ حمزه بسیار گریه کرد. جنازه حمزه را رو به قبله نهاد و ایستاد و با صدای بلند گریه کرد و صفات خوب حمزه را برشمرد.

پس از درگذشت قلب عالم وجود حضرت محمد (ص)

صحابه از دوری او به شدت گریستند. حضرت زهرا (س) و امام علی (ع) و فرزندان ایشان سخت گریستند و کسان دیگری همچون بلال، قیس و ام ایمن در سوگ پیامبر گریه کردند. جابر بن عبدالله انصاری آن صحابی بزرگ پس از شهادت امام حسین (ع) خود را به کربلا رساند و پس از غسل در فرات و پوشیدن لباس تمیز، اندوهگین به سمت مزار امام رفت و با آنکه بینایی خویش را از دست داده بود جلو رفت و قبر را در آغوش گرفت و گفت: محبوب من حسین.

سید محمد صادق موسوی گرمارودی در کتاب آینه - داران آفتاب پس از شرح مفصلی از زندگانی این صحابی بزرگ حضرت محمد (ص)، می نویسد:

«... از افتخارات دیگر جابر بن عبدالله، زیارت نمودن قبر ابا عبدالله الحسین (ع) در چهلمین روز شهادت آن حضرت است. در حقیقت جابر اولین زائر امام حسین (ع) می باشد و این عمل نیک در گذر ایام به نام او باقی است و در صحیفه عمل او در پیشگاه الهی ثبت است.»^۱

البته هر مسلمان آگاهی می داند که سوگواری و مراسم عزاداری اگر همراه با بینش و آگاهی نباشد به جای آنکه درس

۱ - سید محمد صادق موسوی گرمارودی، آینه داران آفتاب، (تهران: انتشارات میقات، ۱۳۷۳)، ص ۷۰.

شهادت و بزرگواری دهد عاملی برای گسترش اندیشه‌های موهوم و خرافات و تکرار مداوم سخنان بیهوده و باطل می‌گردد. امام صادق (ع) در این باره به بانوان هشدار می‌دهد که در هنگام عزاداری سخنان لغو و بیهوده نگویند:

انما تحتاج المراد فی الماتم الی النوح للیل دمعتها و لاینبغی ان تقول حجرا^۱

بانوان در مصیبت‌ها نیاز به نوحه‌سرایی دارند تا اشک‌هایشان جاری شود، اما [در نوحه‌سرایی] نباید سخنان لغو و بیهوده بگویند.

در حالی که عزاداری معین و گریستن بر شهیدان کربلا یاد آن بزرگان تاریخ را در اذهان زنده می‌دارد پیروان مذهب وهابیت و شاگردان ابن تیمیه عزاداری برای امام حسین (ع) یا متوفای دیگری را بدعت در دین و انحراف از سنت نبوی و سیره سلف می‌دانند. در حالی کتب تاریخی و منابع روایی، مشحون است از فعل و قول و تقریر پیامبر که در آنها وجهی برای جواز گریه در عزای مؤمنان در گذشته هست. آقای رضا بابایی در مقاله ارزشمند «عزاداری؛ سنت یا بدعت» با ذکر مدارک دلایل تاریخی

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۹۰ به نقل از مجموعه مقالات همایش امام حسین (ع)، ج ۱۰ (تهران: مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۱)، مقاله روان‌شناسی عزاداری، ص ۳۳۹.

نظریه وهابیان را در منع عزاداری و گریستن رد می‌کند و دربارهٔ سنت پیامبر اکرم در عزاداری و گریستن برای بزرگان می‌نویسد:

«... از جمله گریه حضرت [محمد (ص)] در روز مرگ عم بزرگوارش ابوطالب و در روز شهادت حمزه سید الشهداء و جعفر و زید بن حارثه و عبدالله بن رواحه در بسیاری از منابع، دربارهٔ شدت گریهٔ پیامبر (ص) در عزای حمزه، آمده است که آن بزرگوار چنان گریست که حالت غشی بر او پیدا شد.

همچنین در روز مرگ فرزندش، ابراهیم بر جنازهٔ او گریست. در آن حال، عبدالرحمن عوف گفت: آیا شما نیز گریه می‌کنید. پاسخ پیامبر به او، پاسخ به همهٔ آنانی است که گریه و عزاداری را ناپسند و بدعت می‌شمارند، فرمود: «قلب اندوهگین می‌شود و چشم گریان و ما [در هنگام عزاداری] سخنی نمی‌گوییم که خدا را ناخشنود کند». بنابراین، گریهٔ چشم، تابعی از حزن قلب است نمی‌توان قلبی محزون داشت اما نگریستن... روایاتی نیز دربارهٔ گریهٔ پیامبر (ص) بر قبر مادرش، آمده است.

البته هر مسلمان فرهیخته و هر انسان عاقل اندیشمندی با عزاداری‌هایی که موجب وهن اسلام شود - نظیر قعه‌زنی - مخالفت می‌کند. مشکل دیگر سوءاستفاده‌های حکومت‌های جابر از عشق و علاقه مردم به مراسم سوگواری است. اگر دین به

صورت ابزاری برای تثبیت قدرت حاکمان درآید مجالس سوگواری نیز ابزار دیگری می‌شود برای تفریح حاکمان و فریب انسان‌ها.

محمد اسفندیاری پژوهشگر و کتاب‌شناس معاصر در مقاله «از عاشورای حماسه تا عاشورای مرثیه» می‌نویسد:

«راست اینکه شیعه از عاشورا، چنانکه باید استفاده نکرد و آن را الگوی خویش نساخت و به این اهرم برای مبارزه با حکومت‌های ستمگر دست نینداخت و از این انرژی برای ستم-سوزی بهره نبرد و آن را بیشتر دستمایه عزاداری ساخت. حال آنکه عاشورا ملامت از شخصیت‌های الگوست و سرشار از درس‌های ستهندگی و اقتدا به آن ضامن آزادگی و عدالت گستری. اگر عاشورا، آری فقط عاشورا، الگو می‌شد هیچ حکومت ستمگری در سرزمین‌های اسلامی بر جای نمی‌ماند.

اما وا افسوسا که عاشورای حماسه، در عاشورای تاریخ، به عاشورای مرثیه مبدل گشت و از آن همه حماسه، در عاشورای تاریخ، به عاشورای مرثیه مبدل گشت و از آن همه حماسه، دسته‌های عزاداری و مجالس روضه‌خوانی نصیب شد. گویا امام حسین (ع) به هدف عزاداری برای خویش قیام کرده بود و خود را به کشتن داد تا امتی را بگریاند و عزادار سازد، همین و همین. بدتر اینکه همان عزاداری‌های بی‌هدف، به خرافات نیز آلوده گردید...

... گاه همین نمایش‌های عزاداری، به جنگ و زد و خورد میان دسته‌های عزاداری تبدیل می‌شد، زیرا هر دسته می‌کوشید بر دسته دیگر پیشی گیرد و کوچه و خیابان را قرق کند. چه فراوان که در این زد و خوردها که با چوب و چماق بود، عده‌ای کشته و به شدت مجروح شدند. منشاء این نزاع‌ها همان نخاله‌ها بودند که سرکردگی دسته‌های عزاداری را به عهده داشتند و انرژی خود را در این مراسم تخلیه می‌کردند و روحیه قلدری خود را اشباع می‌نمودند.

استاد اسفندیاری ادامه می‌دهد:

«از این صحنه‌ها در تاریخ فراوان است که مردم یا بر سر و سینه خویش می‌زدند و یا بر سر و صورت برادر خویش، اما کلمه‌ای علیه ظالمان نمی‌گفتند و مشت به روی آنان گره نمی‌کردند و یا اساساً ظالمان عصر خویش را نمی‌شناختند و یا بدتر، اینکه هیچ حساسیتی در این باره نداشتند.»

در دوران قاجاریه، مخصوصاً در دوران ناصرالدین شاه مجالس عزاداری امام در دربار فاسد به مجلس شوخی تبدیل شده بود.

امین السلطان صدر اعظم پر قدرت ناصرالدین شاه در دهه اول هر محرم مجلس عزاداری تشکیل می‌داد. پس از پایان

مجلس با اصطلاح عزاداری شوخی‌های بیمزه و وقاحت‌آمیز جناب صدر اعظم شروع می‌شد: به خاطره میرزا حسن‌خان اعتماد السلطنه مورخ ششم محرم سال ۱۳۰۶ مراجعه کنیم:

«ساعت چهار و نیم که مجلس تمام شد در حالی که به منزل مراجعه می‌کردیم صاحبخانه (امین‌السلطان) را دیدم که عمامه حاجی کربلایی را به گردنش بسته با عزیزخان خواجه و در حضور پنج هزار نفر بازی مزاح می‌کنند. تعجب کردم و بر وضع دولت افسوس خوردم.»

در خاطره وی از ۲۵ صفر ۱۳۰۶ می‌خوانیم:

«بعد از نهار خانه آمدم، چهار به غروب مانده شاه از راه بیرون خانه مجدالدوله رفته بودند. حاج کربلایی معروف آنجا بود و در مجلس روضه اقسام وقاحت را به جا آورده بودند.»^۱

اما شگفت‌انگیزتر از همه اینها شعر سرودن و نوحه‌سرایی خود ناصرالدین شاه است که پادشاهی متجدد، خودخواه، عیاش و فوق‌العاده ریاکار بود. گویا نمی‌دانست هر حاکمی که حقوق انسان‌ها را نادیده بگیرد خود یزید زمان خویش است. وی به زمانی که برای زیارت به نجف و کربلا رفت اشعار بسیار سرود و در پایان گفت:

۱ - برای آگاهی بیشتر رک: ایران در عصر ناصرالدین شاه (تهران: انتشارات قلم، ۱۳۸۷).

ناصر چه در نجف رسید و به گریه گفت

هر صبح و شام چشم امیدم به این در است

باید فرزانه‌ای بر سر اعلیحضرت فریاد می‌کشید و می‌گفت: به جای این بازی‌ها و عوام فریبی‌ها درهای زندان را باز کن و صدها انسان بی‌گناه را آزاد کن.

اما انسان‌های اندیشمند در مجالس عزاداری حسین (ع) با ادب و نزاکت شرکت می‌کنند و در عزای شهادت آن بزرگان می‌گیرند و در عین حال پیوسته در اندیشه‌آند که از زندگانی اثمه اطهار (ع) درس بیاموزند و آنان را الگوی زندگی خویش نمایند. متأسفانه عزاداری و سوگواری که سنتی ارزشمند است به تدریج آن جوهر اصلی خود را که برای بیداری و آگاهی انسان‌ها می‌باشد، در برخی از سرزمین‌های شیعه‌نشین از دست داد. مرحوم مطهری در «تحریفات در واقعه تاریخی کربلا» پس از مطرح کردن برخی از وقایع دروغین و جملاتی که در روضه‌ها و تعزیه‌ها به امام حسین و یارانش نسبت می‌دهند می‌نویسد:

«... امروز باید عزای حسین را گرفت، اما برای حسین در عصر ما یک عزای جدیدی است که در گذشته نبوده است و آن این همه دروغ‌هایی است که دربارهٔ حادثه کربلا گفته می‌شود و هیچ‌کس جلوی این دروغ‌ها را نمی‌گیرد. برای مصیبت حسین بن علی (ع) باید گریست، ولی نه برای شمشیرها و نیزه‌هایی که در

آن روز بر پیکر شریفش وارد شد، بلکه به خاطر دروغ‌ها.^۱
مرحوم مطهری پس از ذکر بسیاری از اشعار و نوحه‌ها که
موجب وهن مقام امام حسین می‌شود می‌نویسد:

«وظیفه علماست که در این موارد حقایق را بدون پرده به مردم
بگویند ولو مردم خوششان نیاید، وظیفه علماست که با اکاذیب مبارزه
کنند، وظیفه علماست که مشیت دروغگویان را باز کنند.»^۲

یکی دیگر از مصیبت‌هایی که به قول مرحوم مطهری باید بر
آن گریست ذکر برخی از اشعار در بعضی از مراسم تعزیه - از
قول امام حسین (ع) و حضرت زینب (س) و یاران امام در روز
عاشورا است که نشان‌دهنده به خواری و ذلت افتادن او و یارانش
می‌باشد. گویا شاعرانی که چنین اشعار خفت‌آوری را برای گریه
آوردن عزاداران می‌سرودند نمی‌دانستند که یکی از اهداف قیام
حسینی برای عزت مسلمین بود. آقای غلامرضا گلی زواره که
تحقیق‌های ارزشمندی درباره تعزیه‌ها و محتوای اشعار آنها انجام
داده است در نقدی که در فصلنامه کتاب ماه دین (فروردین
۱۳۸۱) نگاشته، انبوهی اشعار تعزیه‌خوان‌ها را مورد تحلیل قرار
داده است که فرسنگ‌ها از اندیشه امام به دور است وی در

۱ - مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، (تهران، انتشارات صدرا) ۱۳۶۶
ص ۲۰.

۲ - همان منبع، ص ۱۰۴.

بخشی از مقاله می‌نویسد:

«خاطره‌های حیات‌بخش نینوا که بر کالبدهای جوامع مرده و امت‌های تحت ستم حیات و آزادگی بخشید و حوادثی که در واقعه عاشورا روی داد هر یک عالی‌ترین درس عزت و فضیلت را به جهان انسانیت می‌دهد. در برخی اشعار «مجالس تعزیه» به صورت مبتذل و ذلت‌آوری ترسیم گردیده و به عنوان زیان حال از قول سالار شهیدان خوانده می‌شود که: راضی شدم زینب خوار گردد و اسیر کوچه و بازار باشد. اُسرای کربلا نیز زنان و بچه‌های ناتوان و بیچاره‌ای نبودند که ما آنان را به حالت غلیل و حقیر و غلیل معرفی کنیم. با منطق امام حسین(ع) سازش ندارد که ما به آن حضرت و یاران و اصحاب و خاندان باوفایش نسبت خواری و ذلت بدهیم، اگر آن فروغ امامت می‌خواست خانواده‌اش و بازماندگانش خوار گردند، تسلیم دستگاه اموی می‌گردید و از بیعت با یزید امتناع نمی‌کرد ولی آن بدر منیر امامت نه تنها برای نجات اهل بیت از خواری بلکه برای رهایی انسان‌ها از ذلت آن حماسه پرشکوه و شگفت‌آفرین را ترتیب داد.

امام حسین مظهر کرامت انسانی و عزت ایمانی است و مکتبش آدمی را به گونه‌ای پرورش می‌دهد که اعتلای معنوی و روحی بیابد و خود را از پستی دور نگه دارد و برای خویش حرمت و شرافت قایل گردد، چنین فردی هرگز به خواری و زبونی تن نمی‌دهد. چنانچه خود امام اینگونه بود در سخت‌ترین شرایط روحش استوار و باصلابت باقی ماند، چنین سربلندی از آن

خداوند متعال است که به اهل ایمان و یاران حق می‌بخشد و آنان را مقاوم و شکست‌ناپذیر می‌سازد قرآن می‌فرماید:

«...وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...»

و عزت از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است.

(سوره منافقون، آیه ۸)

«...مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً...»

هر که خواهان عزت است بداند که عزت همگی از آن خداست.

(سوره قاطر، آیه ۱)

امام حسین (ع) در دعای عرفه عرض می‌کند:

یا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بَعْزُهُ يَعْتَزُّونَ.

ای آن که ذات خود را به علو مقام مختص گردانیدی و

دوستانانت را به عزت خودت عزیز ساختی.

(مفاتیح، دعای عرفه)

و در کلامی زیبا و نورانی فرمود:

ما اهلون الموت على سبيل نيل العز و احياء الحق

چقدر مرگ در راه رسیدن به عزت و زنده گردانیدن حق سهل است.

(احقاق الحق، ج ۱۱، ص ۶۰۱)

امام در روز عاشورا و در آشفته‌ترین شرایط در برابر ستم‌پیشگان

اموی در فرازی از خطبه حماسی خویش پرچم عزت را در قله کمال

به اهتزاز درآورد و فرمود:

الا و ان الدعی ابن الدعی قدرکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیات منا الذله.

بدانید که این فرومایه (عبیدالله بن زیاد) فرزند فردی پست مرا همان دو راهی شمشیر (مبارزه با باطل) و خواری قرار داده است و هیات که ما تن به ذلت بدهیم.

و وقتی خوارست از مدینه بیرون برود، فردی از حضرت تقاضا کرد که با یزید بیعت کند تا از کشته شدن نجات یابد. امام به وی فرمود تصور می کنی آنچه را می دانی من نمی دانم. به درستی که من هرگز به ذلت تن نمی دهم (المهوف فی قتل الطوف، سید بن طاووس، ص ۱۰۰).

در روز عاشورا نیز وقتی امام را به تسلیم شدن در برابر حکومت یزید فرا خواندن با صلابت و استواری تمام فرمود:

لا والله أعطيهم بیدی اعطاء الذلیل:

نه به خدا قسم که همچون افراد خوار و ذلیل تسلیم نخواهم شد.

(نگاه کنید به کامل ابن اثیر، ج ۴، صص ۶۲-۶۳، تاریخ طبری، ج

۵، ص ۴۳۵).

اما نمونه ای از اشعار برخی از مجالس تعزیه که بوی استهجان،

ذلت و خواری می دهد. از زبان مسلم بن عقیل در مجلس تعزیه

شهادت مسلم:

اندر غریبی من شدم خوار دل افگار شدم خوار یا حسین

در دست کوفیان گرفتار دل افگار شدم خوار یا حسین

زینب در مجلس تعزیه امام حسین (ع):
 عزت تمام آمد حرمت تمام آمد
 رفتنت به شام آمد اشک خود تسلا کن
 امام حسین خطاب به زینب:

ای بینوا و بی‌کس و بیچاره خواهرم ای از وطن جدا شده آواره خواهرم
 هنوز از رحمت‌باری اسیری را ندیدی تو هنوز از رنج غربت‌حقیری را ندیدی تو

امام سجاد (ع) خطاب به مختار در تعزیه شهادت عبدالله عقیف:
 بنگر ای مختار گردیدیم ما خوار و ذلیل ظالمان در فکر آزار من علیل
 باب زارم را به خواری کشته‌اند جسم اکبر را به خون آغشته‌اند

سکینه در تعزیه غارت خیمه‌گاه اهل کربلا:
 گشتی تو رضا که خوار گردم بر پشت شتر سوار گردم

و در تعزیه شهادت عبدالله عقیف:
 به درد بی‌کسی گشتم گرفتار اسیری می‌برندم شهر و بازار
 ز هر جا دختران اندر تماشا مرا سازند خوار و زار و رسوا

قاسم بن حسن (ع) در تعزیه شهادت قاسم:
 قاسم عزیزان یتیم است و خوار ایسندر ندارم من دل فگار

عمو نموده مرا خوار و زار روم به سوی نجف اشکبار

امام حسین (ع) در تعزیه شهادت امام حسن مجتبی (ع) خطاب به زینب:
به این جلال و به این شوکت و به این رفعت نماز چون که شوی خوار و زار ای زینب

و از زبان آن امام در همین تعزیه:

بینم اسیران خواهرم به شام کلتوم سر برهنه رود پیش خاص و عام
در مجلس بزید شود خوار و خون جگر مردی ظهیر نام از آن قوم خیره سر
تا آن که پیش خوار کند آن عزیز را گوید بزید بخش به من این کنیز را^۱

آقای غلامرضا گلی زواره در مقاله ارزشمند دیگری که تحت
عنوان «از مرثیه تا تعزیه» در مجله آینه پژوهش (دی و بهمن ۱۳۸۱)
نگاشته برخی مزایا و محاسن شبیه خوانی را برمی شمارد و می نویسد:
«در تعزیه بازیگر و تماشاگر، حالت نمایشی مآجرا را فراموش
می نمایند و همه جا را کربلا و همه روزها را عاشورا تصور می نمایند
و همه خون های به ناحق ریخته را گواه ستم اشقیا و استعمار خون
سیدالشهدا قلمداد می نمایند. ترکیبی از باورهای مذهبی و مقدس با
خواست های اجتماعی در پدید آمدن این حالت که نوعی هیجان

۱ - کتاب ماه دین شماره ۳ و ۴ (اسفند ۱۳۸۰ و فروردین ۱۳۸۱) مقاله
آقای گلی زواره که نقدی است بر کتاب مجالس تعزیه.

مقدس است، دخالت عمده‌ای دارند».

یک هنرمند مسئول و متعهد در یک تناثر مذهبی و یا تعزیه به خوبی می‌تواند نزویر و فریکاری حاکمان مستبد و استفاده‌ایزاری از مذهب را به خوبی نشان دهد. گریه و زاری معاویه تبه‌کار در عزای مرگ عثمان و بعد نسبت دادن آن قتل به امام متقین علی بن ابیطالب (ع) و تحریک مردم عوام برای «انتقام خون عثمان» و یا اشعاری که شاعران مزدور در عظمت! معاویه و یزید می‌سرایند می‌تواند صحنه‌های بیدارکننده‌ای باشد که هنرمندان با مهارت آن را به روی صحنه آورند و «استفاده‌های ایزاری از باورهای مذهبی» را به تماشاگران نشان دهند. اما اگر شبیه‌خوانی و تعزیه وسیله‌ای شود برای گریاندن تماشاگر به هر وسیله و نسبت دادن سخنان و جملات دروغ به امام حسین (ع) و یارانش، مصیبت‌بار است. استاد شهید مطهری از روند آغشته به تحریف برخی تعزیه‌ها بر آشفته و مواسمی را که از فرهنگ و فضیلت حسینی دور بود مورد انتقاد قرار داد:

«یک حرفی امروزی‌ها در مکتب «ماکیاول» در آورده‌اند که می‌گویند هدف وسیله را مباح می‌کند. هدف خوب باشد، وسیله هر چه شد، شد! این‌ها [تحریف کنندگان] هم گفتند ما یک هدف مقدس و متزه داریم و آن گریستن بر امام حسین است که کار بسیار خوبی است و باید گریست. به چه وسیله بگریانیم؟ به هر وسیله که شد! هدف که مقدس است، وسیله هر چه شد، شد. اگر تعزیه در آوریم، یک تعزیه‌های اهانت‌آور، درست است یا نه؟ گفتند اشک جاری می‌شود یا نه؟ همین قدر که اشک جاری شود، اشکال ندارد! شیپور بزنیم، طبل بزنیم.

معصیت کاری بکنیم، به بدن مرد لباس زن بپوشانیم، عروسی قاسم درست کنیم، جعل کنیم، تحریف کنیم، در دستگاه امام حسین این حرف‌ها مانعی ندارد. دستگاه امام حسین از دستگاه دیگران جداست. در اینجا دروغ گفتن بخشیده است، جعل کردن، تحریف کردن، شبیه سازی، به تن مرد لباس زن پوشاندن، بخشیده است، هدف خیلی مقدس است! در نتیجه افرادی دست به جعل و تحریف این قضیه زدند که ایشان تعجب می‌کند!۱

غلامرضا کلی زواره در بخش دیگری از مقاله «از مرثیه تا تعزیه» می‌نویسد:

«سوگواری‌ها به عنوان شعائر شعورآفرین و رشد دهنده، در اجرای فضایل و روی آوردن مردم به درستی‌ها و خوبی‌ها مؤثرند و سنت عزاداری می‌تواند از ارزش‌هایی که رسول اکرم (ص) و جانشینان راستین او برای استواری و گسترش آنها اهتمام ورزیده‌اند صیانت کنند. در این رسم دینی، همچون دیگر آداب مذهبی عاشورا باید دین‌شناس‌تر از گذشته شوند و روح معنویت در آنها احیاء گردد و مجالس سوگواری در هر شکل و شیوه‌ای که به اجرا درمی‌آید، تنها موقعی موجب خشنودی خداوند و قبول و سبب ثواب و اجر اخروی است که در حدود بندگی خداوند به انجام برسد و مشتمل بر دروغ و حرامی نباشد و از تحریفات و خرافات و امور موهوم و افسانه‌ای دور گردد.

... تعزیه باید شعلهٔ محبت اهل بیت را در دل تماشاگران به گونه‌ای زنده کند که مردم هم‌نوا با زندگی عملی ستارگان درخشان آسمان ولایت و امامت، برنامهٔ زندگی فردی و اجتماعی خود را تنظیم نمایند و به فضایل روی آورده و از رذایل پرهیز کنند. چون تعزیه هنری مذهبی است، باید عنصری سازنده از اندیشه اسلامی در آن نهفته باشد و حقیقتی زنده و پویا را نوید دهد و بر معرفت و بصیرت حاضران در مجلس نسبت به فرهنگ عاشورا بیفزاید...

[و چه دردناک است که]... برخی از دست‌اندرکاران عزاداری‌های محرم ذکر کرده‌اند که وقتی تحریقاتی نام مقدس امام حسین(ع) را داشته باشد موجب سربلندی دنیا و آخرت است، هر چند آن مراسم آلوده به بدعت و خرافات و تحریفات باشد [!!]»^۱

در اینجا باید از مقالهٔ ارزشمند آقای نعمت الله صفری فروشانی در نشریه حکومت اسلامی (شمارهٔ ۲۶) نیز یاد کرد. وی در مقاله «عزت‌طلبی در نهضت امام حسین» با تبیین مفهوم عزت و نشان دادن آن در کلام و مرام امام حسین(ع) و خاندان و اصحاب وی به نقد گزارش‌های مخالف عزت در نهضت کربلا می‌پردازد. شفاعت تبهکاران؟! هرگز.

بدترین سخن تحریف‌آمیزی که گاه در مجالس عزاداری از قول امام گفته می‌شود این است که هر تبهکاری می‌تواند در هر مجلس

عزاداری «به اندازه بال مگسی» بگیرد و سپس «بهشت بر او واجب می شود». و یا اینکه می گویند: هر کس در مجلس عزاداری از دیدگانش اشک جاری گردد گرچه به مقدار پر مگسی باشد، گناهانش بخشیده خواهد شد. گرچه به مقدار کف دریاها باشد.

این انحراف اعتقادی هرگز نمی تواند در تفسیر عاشورا و قیام سیدالشهدا (ع) جایگاهی داشته باشد زیرا که قرآن کریم در سوره فاطر (آیه ۱۸) می فرماید: «و لا تزوروا زورا و زرا اخری، یعنی: هیچ کس بار گناه دیگری را بر دوش نکشد و در سوره مدثر (آیه ۳۸) می فرماید: کل نفس بما کسب رهینه، یعنی: هر کس در گروهی اعمال خویش است.

آیا شکنجه گر بهکاری که در زندان های حکام مستبد انسان های شریف و آزادی خواه را شکنجه می دهد، آیا آن قاچاقچی مواد مخدر که هزاران خانواده را به نیستی می کشاند، یا آن روزنامه نگار مزدوری که یک رسانه گروهی مردمی را وسیله دروغ و تهمت و افترا و فحش و ناسزا به فرزنانگان ساخته، با ریختن اشکی برای امام حسین (ع) گناهانش بخشیده می شود و به بهشت می رود؟

به راستی که اگر کسی چنین بگوید نه دین را شناخته و نه اسلام را و نه امام حسین (ع) را و در پاسخ کسانی که چنین می اندیشند باید گفت:

«عظمت معنوی و ملکوتی حضرت امام حسین (ع) و قرب و منزلتی که آن بزرگوار در پیشگاه آفرین جهان دارد و مقام شفاعت عظمایی که خداوند به آن حضرت در قیامت عنایت فرموده، قابل انکار نبوده و حقیقتی مسلم و اجتناب ناپذیر می باشد. تردید نیست که آن چشمی که بر ابا عبدالله (ع) نگرید

و آن دلی که برای مصایب شهیدان کربلا نسوزد، چشم و دل بشری نمی‌باشد، اما این مطلب از آن سخن موهوم و باطل و بیهوده جداست که امام حسین(ع) به شهادت رسید تا مردم دور هم جمع شوند و بر مصیبت او گریه کنند و بعد هم آمرزیده شوند.

امام حسین(ع) کشتی نجات است، امامی که در آن شرایط بحرانی و ناگوار با آن همه مشکلات جنگ و دفاع، برای چند لحظه نبرد با اشقیاء را قطع می‌کند تا با خدای خویش راز و نیاز کند و نمازش را اقامه نماید، چگونه راضی می‌شود که کسی به جای انجام دادن عبادات و به جای آوردن فریضه- های الهی و اجتناب از معاصی، پویش عزاداری کند و یا به اطمینان شفاعت و حمایت آن امام، واجب شرعی را انجام ندهد؟ گناه آن وقت بخشیده می‌شود که روح آدمی با حماسه حسینی پیوند بخورد و علامت عفو الهی آن است که دیگر دنبال آن گناه نرویم. اصولاً کسی که فضیلت را دوست ندارد و با رفتار و اخلاقش ردایل را ترویج می‌کند و برای ارزش‌های مقدس احترامی قایل نمی‌باشد، نمی‌تواند ادعا کند که مرید حضرت امام حسین(ع) است چرا که چنین انسانی با هدف و مقصدی که سید شهیدان برای آن قیام کرد، خیلی فاصله دارد...^۱

در سال‌های اخیر صدها کتاب ارزشمند نیز درباره قیام امام حسین(ع) منتشر شده است که در تعالی فکر و اندیشه نسل جوان و در بیان هدف‌های راستین امام بسیار مؤثر بوده‌اند و این کتاب کوچک در مقابل آن پژوهش‌ها

تحفه ناچیزی بیش نیست.^۱ در این کتاب بیشتر به علل و عوامل پدید آورنده آن انقلاب بزرگ پرداخته‌ایم یکی از راه‌های شناخت درست آن قیام بازگشت به حوادث و وقایعی است که بعد از فوت رسول اکرم حضرت محمد (ص) به وجود آمدند.

در اینجا لازم می‌دانم تشکر کنم از استاد سید کاظم مهرنیا که این کتاب را قبل از چاپ مطالعه نموده و با تذکرات و رهنمودهای خویش بر کیفیت آن افزودند.

۱ - در میان آثار ارزشمندی که در سال‌های اخیر درباره زندگی امام حسین (ع) خواندم دو کتاب قیام حسین علیه السلام، تألیف استاد سید جعفر شهیدی (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰) بیش از آثار دیگر توجهم را جلب کرد سلسله مقالات دکتر فضل الله صلواتی در نشریه چشم انداز (شماره ۴۸ تا ۵۶) تحت عنوان «درس‌هایی از تاریخ، سیاه کارهای بنی امیه» نشان دهنده وسعت مطالعه استاد صلواتی در زمینه‌ی تاریخ اسلام است. در نشریه حکومت اسلامی (شماره ۲۶ و ۲۵ و ۲۷) نیز چند مقاله ارزشمند درباره نهضت امام حسین (ع) چاپ شده بود.